

کبير توخي (پ . رتبيل)

به مناسبت بيست و پنجمين سالروز شهادت مينا

مينا، طغيانگر بي همتا [*]

مينا،

نه بسان هر کنگينه، (۱)

که خمير شان

از گلِ خام

و در خمِ شان

خوشه های انگورِ سرد

از بيمِ دى،

غنوده



مينا،

جوهرت،

و آبگينه شفاف و سيالت

که در آتشفشان نمرود

و آتشدان آذرنوش

جوشيده

"راوا" ی تو
 بسان کوره ناپیدای آسمان
 پاشیده
 برسنگر سیاه دوزخیان
 صد هزاران شهاب
 نامِ نامی ات
 مینا،
 _ طغیانگر بی همتا _
 سرلوحه گهنامه رزم زنان باد!



■ [*] :- (" مینا طغیانگر بی همتا ") به تاریخ ۱۰ جنوری ۱۹۹۵ سروده شده همراه بانامه این قلم در شماره ۳۹ حوت ۱۳۷۳ - فبروری ۱۹۹۵ " پیام زن " درج می باشد.
یاد داشت :

"راوا" طی نامه شماره - ۴۹۳ / ۲۳ نوامبر ۱۹۹۴ به خاطر تجلیل از هشتمین سالروز شهادت رهبر و بنیانگذارش (مینا) که به تاریخ ۴ فبروری ۱۹۹۵ در اسلام آباد برگزار می شد، از این قلم تقاضا نمود تا به پاکستان آمده در تجلیل این محفل اشتراک ورزد، همچنان در آخرین نامه چنین آمده : " در صورتیکه شرکت در محفل برایتان مقدور نباشد از دریافت پیام شما که یقیناً بیانگر همدردی و همبستگی با مردم و بخصوص زنان افغانستان اسیر چنگال خونین بنیاد گرایان خواهد بود، استقبال میکنیم." با آنکه ابعاد شخصیت اجتماعی، سیاسی، انقلابی، هکذا کارنامه های رنگین و حماسه آفرین مینا، در روند مبارزه اش به خاطر رهایی نصف جامعه، یعنی زنان مظلوم و ستم دیده کشور، توسط همزمان بی باک و ادامه کارش، از جانب سایر پیکارگران دلیر افغان که در راه آزادی میهن اسارت دیده از چنگال کرگسان (ISI و CIA) و پنجال شغالان عرب و ایران و چاکران "سازمان اطلاعات خارجی روسیه" سرگرم رزم و نبردند، همچنان از طرف شخصیت های سیاسی و نمایندگان سازمانها و احزاب

انقلابی سایر کشورها که به خاطر امر رهایی بشریت از یوغ سرمایه مبارزه می نمایند، به وضاحت بیان شده است. نگارنده علاقمند است در این مختصر نبشته، سطری چند بر آن بیفزاید.

مینا، این شیره زن شجاع و طغیانگر بی همتا، در پیشگاه مردمش، با تواضع یک انقلابی حرفه ای، پیمان خون بست تا در راه آزادی زن و آزادی کشورش تا پای جان مبارزه بی امانش را تداوم بخشد و دمی نه آساید. سازمان "راوا" _ این کانون فروزان و داغ جنبش زنان کشور را تأسیس نمود و انرژی بخشی از زنان آگاه، متعهد و رزمنده کشور را ظرفیت بخشید. و بعد از شکست مفتضانه ارتش سراسیمه سوسیال امپریالیزم روس، بیشترین آتش مبارزه اش را متوجه این گله های وحشی و مدنیت سوز نمود. سر گله گوریلاهای وحشی یعنی گلبدین که جز با خودش با هیچ جانور خونخواری در جهان قابل مقایسه نیست، به یاری یاران قدیمش یعنی خادی ها، پلان قتل وی را طرح و سر انجام ترورش نمودند. روحش شاد [خاطره اش گرمی] و درفشش در اهتزاز باد!

اجازه دهید نقل قولی از پیشوای بین الملل اول (مارکس) بیاوریم:

" هرکس چیزی در باره تاریخ بداند، می داند که تغییرات بزرگ اجتماعی بدون جوشش

زنان امکان پذیر نیست " متکی به حکم فوق می توان تذکار داد که هر جوشش سیاسی، به خاطر تغییرات بزرگ اجتماعی، نیاز مبرم به ظرف و قالبی دارد که در آن مجموع انرژی مبارزان تحول پسند بهم برسد. مینای شهید نه یک بار؛ بل بار بار ثابت نمود که انسان آگاه و متعهد چگونه باید در میان توفان خون و امواج سرب مذاب، که سوسیال امپریالیزم روس و چاکران آن در کشور راه انداخته بودند، به ستیز و جدل پردازد و در زیر پای ابلیشان اخوانی آتش انتقام افروزد و با قاطعیت و پیگیری ریشه آنان را بخشکاند. تاریخ پر ابهت کشور ما نام این زن انقلابی را بر کتیبه اش چنین رقم زده است: [سروده "مینا... " به ادامه این سطر درج نامه شده بود] در پیوند باد مبارزه "راوا" با جنبش کارگران جهان! زنده باد مبارزه مشترک کلیه نیروهای آزادیخواه و مترقی بر ضد احزاب منفور اخوانی و چاکران روسی!

کبیر توخی سابق عضو (سازمان انقلابی وطن پرستان واقعی "ساوو")

(۱۰ جنوری ۱۹۹۵ - دهلی جدید) .

۱- کنگینه: در فصل برداشت انگور که مصادف است باماه هفتم سال، باغداران کشور برای اینکه بتوانند انگور را از آسیب سرمای شدید زمستان حفظ نمایند، از گل خام، دو دانه تابه از داخل (مثل کاسه) فرورفته، به اندازه بیشتر از یک بلست (وجب) می سازند. بعد از خشک شدن تابه ها گلی، چند خوشه انگور را در میان تابه اولی جای داده، بردور لب آن اندک گل نرم گذاشته تابه دومی را بروی آن قرار می دهند. بعداً با گل آبگین دور آنرا می مالند. بدینگونه انگور از گزند سرمای شدید زمستان محفوظ می ماند. بعضاً باغداران و میوه فروشان کنگینه را به مشتریان هم عرضه می نمایند. مردم در همین زمینه مثلی دارند: « **مرد مینا ها، که سر کشید کنگینه ها** ». مراد از آن، مقایسه

افراد نابکار، نافهم؛ پرمدعا و خودنما و جاه طلب است که زنده اند، با اشخاص بافهم، کاردان، با تجربه و فروتن و فداکار (چه در صحنه سیاست و چه در امور اجتماعی) که به گونه ای از کار برکنار ساخته شده اند و یا زندانی و اعدام شده و یا به مرگ طبیعی در گذشته اند.

یکی یعنی **کنگینه** (که از گلی نارس و دنی در کمترین مدت و به سادگی شکل گرفته، انگور با هسته و پوست و برگش را در خود جای داده)، خودش را در هم چشمی و رقابت با دیگری؛ یعنی **مینا** (که با دست استاد کار، مواد نخستینش در کوره آتش به قوام و مراحل عالی رسیده، تنگ بلور پر درخشش و شفاف گشته، آب تخمیر شده انگور که انبیب دیده، باده گوارا و آتشگون شده، سکر و آرامشی بخشیده به نوشنده و...) قرار می دهد؛ بسان دست نشاندگانی؛ مثل **ببرک** و **کرزی** با **شاه امان الله خان!**

یاد آوری

یاد دهانی و احترام به مینای زنده یاد قید زمانی نمی شناسد؛ مگر نهاد هایی که در سروده از آن یاد آوری صورت گرفته از دید این قلم چه بهتر که پراتیک کنونی شان معیار قضاوت قرار گیرد.